

زرشک طلایی برای نماهای شهری

بنایی به سلیقه مالک یا کارفرما، بدون بهره‌گیری از تجربه و تبحر متخصصان، سر برآورده‌است. اغتشاش و آشوب سیمای شهری محصول وجود نگرش‌های این‌چنینی و عدم نظارت کافی و اصولی بر نماسازی ساختمان‌هاست.

رایا پورت می‌گوید: «انتخاب‌های خاصی که جامعه روا و عرف می‌شمارد، مظهر فرهنگ آن جامعه است. در حقیقت یکی از راه‌های بررسی فرهنگ، نظر کردن به عام‌ترین انتخاب‌های جامعه است. روایی انتخاب‌هاست که در هر فرهنگ، اماکن و بناها را از ماکان و بناهای فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌کند».۱

در این نگاه، معماری مقوله‌ای فرهنگی است که در بستر محیط شکل می‌گیرد؛ هر چند مؤلفه‌های مؤثر بر معماری ابنیه بسیارند، در این میانه «فرهنگ» نقش پررنگ‌تری در شکل‌گیری آنچه «مکان» می‌نامیم، ایفا می‌کند. هنر نیز در هر دوره‌ای نماینده فرهنگ آن عصر و زمانه بوده؛ نقاشی، عکاسی، سبک موسیقی و حتی سسینما در ادوار مختلف تاریخی، حکایت از فرهنگ مردمان در آن مقطع تاریخی داشته‌است.

نماینده بخشی از زندگی روزمره مردم بود و در این مقام استقبال عمومی را در پی داشت؛ چراکه از میان مردم برخاسته بود و آنچه را به عموم عرضه می‌کرد، برایشان ملموس و قابل ادراک بود. هر چند در برهه‌هایی این هنرمندان بودند که سبکی نو را در قالب هنر خویش به مردم ارائه می‌کردند و بسته به قدرت نفهته در پس آن، مقبولیت یا عدم پذیرش عمومی را به همراه داشت. به هر رو پدیده فرهنگ و هنر از دیرباز پیوندی ناگسستنی و دیرینه با یکدیگر داشته‌اند، به اقتضای شرایط، بر هم تأثیر نهاده و موجبات تغییر و تکمیل هم را فراهم کرده‌اند.

فرهنگ درواقع همان چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. در گذشته فرهنگ و معماری ایرانی از یکدیگر جدا نبودند. معماری از فرهنگ مردمان نشأت می‌گرفت. محرمیت، فضاهای عمومی و خصوصی، تناسبات و اندازه‌های به‌کاررفته در ابنیه، همه به‌نوعی نمایانگر فرهنگ خانواده‌های ایرانی ساکن در آن بناها بود. فرهنگ نیز در بستر معماری، تعالی می‌یافت و نیز بر غنای آن می‌افزود. به نظر می‌رسد اگر معماری امروز ما هویت مستقلی برای خود متصور نیست، چه‌بسا ریشه را باید در فرهنگ حاکم بر زندگی امروزی مردمان جست‌وجو کرد.

البته معماری معاصر خود نیز در تغییر دائم‌نه فرهنگی بی‌تأثیر نبوده‌است. فرهنگی که فلسفه‌اش ایجاب می‌کرد در خانه‌ها رو به فضای حیاط مرکزی گشوده شود، درحالی‌که اکنون در قالب خانه‌های آپارتمانی سا پنجره‌های رو به خیابان، نماهای به‌اصطلاح رومی و فضاهای داخلی گشوده و فراخ،

سپیهرغرب، گروه شهر: شاید برای شما هم پیش‌آمده که اوقاتی را به‌سه قدم زدن در بافت تاریخی و قدیمی شهر سسیری کرده باشید؛ خانه‌های قدیمی به‌ه ارتفاع حداکثر دوطبقه با حیاط مرکزی و طاق‌هایی که روبه حیاط دارند. درون‌گرایی خانه‌های سنتنی ایران معمولا تا حدی بود که نمای بیرونی آن ساده و بدون تزئینات به نظر می‌رسید. این تصویر را با آنچه بر شهرهای امروزی حاکم است، مقایسه کنید. اگر گدري در بافت جدید، به‌خصوص در مناطق مرفه یا همان بالای شهر داشته باشید، خود را در میان ساختمان‌های بلندمرتبه با نماهایی به‌اصطلاح رومی [یا همان کلاسیک] خواهید یافت؛ شکوه و ابهتی از جنس غیر ایرانی که در نمای ساختمان‌ها به تجلی نشسته و تداعی‌گر کاخ‌ها و کلیساهای دوره یونان و روم باستان است. البته تغییر ذائقه مردمان در بازه زمانی نزدیک به صدسال، قابل پیش‌بینی و تا حدی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ اما وقتی این تغییر، سمت‌وسویی بیگانه و غیرخودی می‌یابد کمی تأمل‌برانگیز می‌شود.

اینکه مردمانی با پیشینه فرهنگی غنی و اصیل و معماری درون‌گرا و ایرانی، امروزه طالب خانه‌هایی مزین به نمای کاخ‌های پرشکوه رومی یا پوشیده با ورق‌های به‌ظاهر مدرن کامپوزیتی هستند، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که مالکان چنین بناهایی به دنبال نمایش و ابراز چه چیزی هستند؟ وقتی یک گردشگر خارجی، اصفهان یا یزد را مقصد ایران‌گردی خود تعیین می‌کند به این دلیل است که در آثار معماری تاریخی این شهرها ارزش‌هایی نهفته که برخاسته از فرهنگ و هویت مردمان در دوره‌ای تاریخی بوده‌است. ایندگان از برهه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم چه برداشتی خواهند داشت؟ از این دوره به‌عنوان عصری یاد خواهند کرد که مردمان تحت تأثیر نوعی از فرهنگ بودند که نمود آن در معماری ابنیه، نماهای رومی بوده؟ آیا به‌راستی این میراث معماری ما برای آیندگان ایران‌زمین است؟

نمای یک ساختمان درواقع زبان گویای آن برای برقراری ارتباط و تعامل با محیط پیرامونش است؛ از طرفی نمای هر ساختمان به‌نوعان بخشی از سیمای شهری تلقی می‌شود که در ایجاد سیمای بصری متناسب و زیبا مؤثر است. پدیده‌ای که امروزه در نمای ساختمان‌های ایران به چشم می‌خورد نه‌تنها از زیبایی بصری و اصیل برخوردار نیست، بلکه قواعد و تناسبات معماری و شهری نیز در آن‌ها نادیده گرفته می‌شود.

افراد غیرمتخصص، صرف داشتن سرمایه به عرصه ساخت‌وساز وارد می‌شوند و معمار را تا امضای پای نقشه‌ها به رسمیت می‌نشانند، بعدازآن طبق سلیقه خود یا عده‌ای نماکار که تخصصشان در حد تشخیص و کاربرد مصالح ساختمانی است، کار را پیش می‌برند؛ درحالی‌که نمای ساخته‌شده به این روش اغلب فاقد تناسبات و قواعد زیبایی‌شناسی معماری بوده و درنتیجه با شهری مواجه می‌شویم که از هر گوشه آن

سپهرغرب، گروه شهر - طاهره ترابی‌موش: به‌طور مشخص، امنیت در فضاهای عمومی یک شهر، سرزندگی و پویایی فضا را به دنبال خواهد داشت که نمود آن را می‌توان در حضور فعال مردم، خلق فرهنگ تعاون و تعامل، کاهش استرس و نگرانی، حضور گروه‌های مختلف سنی و جنسی و حیات شبانه مشاهده کرد.

امنیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی کیفیت‌بخشی به فضاهای عمومی از جایگاهی ویژه برخوردار است، چنانکه اگر در فضایی تمامی اصول طراحانه رعایت شده باشد اما به لحاظ امنیت شرایط مناسبی نداشته باشد، نمی‌تواند موفق عمل کند.

حضور طیف گسترده‌ای از افراد در فضاهای عمومی، توجه به توقعات متنوع آن‌ها را الزام‌آور می‌کند، پس در طراحی یک فضای عمومی باید به نحوی عمل کرد که نیازهای حداکثر مخاطبان برآوب نمائند؛ فضاهایی چون بازارها، میدان‌ها، ماکت‌ها، خیابان‌ها و غیره، ازجمله فضاهای عمومی هستند که با طیف وسیعی از مخاطبان روبرو هستند.

در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری، مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند، با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود. مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می‌شود و درنتیجه احساس ناامنی می‌کنند نکته حائز اهمیت آن است که بسیاری از عوامل مؤثر در امنیت شهری را می‌توان منتج از شرایط کالبدی آن دانست به‌طوری‌که فقدان روشنایی مناسب، آلودگی و اغتشاش بصری، ترافیک و غیره ازجمله عوامل کالبدی هستند که بر امنیت فضا تأثیر می‌گذارند. با توجه به مطالب مطرح‌شده بر آن شدیم تا در این خصوص گفت‌وگویی را با محمدرضا عراقچی‌جان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا به‌صورت پرسش و پاسخ داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید:

❖ کالبد و محیط شهری تا چه میزان می‌تواند در احساس امنیت شهروندان مؤثر واقع شود؟

امنیت، مفهومی دارای دو بعد ذهنی و عینی است که از بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای حفاظت و گسترش ارزش‌های اصولی و حیاتی استنباط می‌شود و از بعد ذهنی، ممکن است هیچ اتفاق خاصی در شهر نیفتاده باشد اما ما در ذهن خود با یک آشوب و نگرانی مواجه باشیم که البته وجود این امنیت نیز ضروری است؛ یعنی ما باید به لحاظ ذهنی آمادگی و امنیت را دارا باشیم حتی اگر در جامعه امنیت فیزیکی وجود نداشته باشد.

آشنا به‌عنوان کالبد از آن یاد می‌شود و نقشی که در ایجاد امنیت ایفا می‌کند در دو مقوله معنا دارد؛ نخست موضوع فیزیکی آن است چنانکه در شهر، کالبدی با رنگ‌های روشن، نور فراوان و با ارتفاع اندک و نیز با عرض‌های متوسط می‌تواند احساس امنیت را تقویت کند و در کنار آن خوانایی مسیر و معبر از دیگر مواردی است که این مهم را تقویت می‌کند بدین معنا که مسیرها و معابر به‌صورت مستقیم در شهرها ایجاد شود و ابهام و گنگی برای

جایگزین شده و آنچه به بار می‌نشیند مردمانی است در فرهنگی نه از جنس ایرانی که امتزاجی آشفته از فرهنگ خودی و غیرخودی.

درنتیجه، آنچه با عنوان سیمای بصری در کلان‌شهرهای ما از آن نام‌برده می‌شود، نشانی از فرهنگ وزین و اصیل ایرانی را دربر ندارد؛ ساختمان‌های کاخ‌گونه که بیش از آنکه ایرانی بودن فرهنگ مردمان را تداعی کند، نوعی تجمل و میل به نمایش آن‌هم از نوع غیرخودی را تجسم می‌کند. این تغییر سبک و سیاق معماری، حرکتی نرم و زیرپوستی را پایه نهاده که به‌مرور زمان، دگرگونی فرهنگی شهروند ایرانی را از مسیر تغییر در «سبک زندگی» وی موجب خواهد شد.

معماری از جمله هنرهایی است که بر بستر فرهنگ شکل می‌گیرد و شاید چندان پر براه نباشد اگر بگوییم معماری‌زاده فرهنگ عصر خویش است، فرهنگ خود نیز نمایانگر هویت شهر و ساکنانش است، چنین برمی‌آید که عمق و غنای آثار معماری هر دوران منبعث از هویت مردمان عصر خویش

عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان مطرح کرد:

سازوکارها تقویت احساس امنیت در همدان

روشنایی معابر با نورهای آفتابی و مهتابی

تقویت بنیان‌های مذهبی

نگاه دقیق مدیریت شهری به مقوله امنیت در اجرای طرح‌ها

❖ **به نظر شما کدام عامل موجب شده باوجود اینکه همدان جزء شهرهای امن محسوب می‌شود مردم طبق اسناد و مقالات علمی موجود از احساس امنیت کمتری برخوردار باشند؟ چه مؤلفه‌هایی را باید مدنظر قرار داد که این احساس امنیت در شهروندان همدانی تقویت شود؟**

اگر مسئله امنیت فیزیکی باشد که بنده به‌شخصه معتمد در روز با هیچ‌گونه مشکل امنیتی مواجه نیستیم؛ به تعبیری همه اقشار جامعه به‌صورت فعال در ساعات روز در شهر بدون هیچ واهمه‌ای تردد می‌کنند.

اما اگر منظور ساعات بعد از اذان مغرب باشد این عدم احساس امنیت را می‌توان در بافت‌های شهری که دارای پیچیدگی معابر، کمبود نور و فضاهای گنگ و مبهم هستند دید، پس باید در این‌گونه مناطق سطح روشنایی معابر را بیشتر و با آرایش فضای سبز از ایجاد فضاهای گنگ و دنج جلوگیری کرد، همچنین از نورهای با رنگ روشن در معابر و نیز نماهای ساختمانی استفاده شود چراکه حتی نوع نور نیز می‌تواند تداعی‌کننده احساس امنیت و بالعکس باشد؛ چراکه استفاده از رنگ‌های آبی، بنفش و قرمز در فضای شهری اضطراب‌زا است پس در فضاهای شهر باید از رنگ‌های آفتابی و مهتابی استفاده کرد. البته ذاتا تاریکی در فضای شهری به دلیل کاهش

بخشی که بر دوش معماران است و انتظار می‌رود به آن ورود کنند، تیلور خواسته‌های مردم در کالبدی ایرانی، برگرفته از طرح‌واره‌ها و موتیوهای منشعب از فرهنگ اصیل خودی است. چه‌بسا یک معمار حرفه‌ای بسا ذغدغه فرهنگ و هویت ایرانی، چنان هنرمندانه و متبحرانه طرح درآندارد که مطالبات کارفرمای بلندپرواز، تجمل‌طلب و مدگرای خویش را در قالبی اصیل و ایرانی به وی عرضه کرده و جامعه‌ای برانزده فرهنگ و هویت ایرانی بر تن عریان آمال و آرزوهای وی بپوشاند.

❖ **از نمای رومی تا فرهنگ بومی**

ازآنجایی‌که پدیده‌ای به نام نمای رومی این روزها در نماسازی ساختمان‌های ایران ترویج یافته، مرور کوتاهی بر سبک کلاسیک و نحوه ورود آن به ایران می‌کنیم، معماری رومی چیست و چگونه وارد کشورهای دیگر شد؟ طی قرن ۱۹ میلادی معماران از مفهوم «ساختمان‌های خود را همانند ساختمان‌های رومی بسازید» تبعیت می‌کردند؛ اما معنی معماری رومی‌وار چیست؟ «Romanesque» را رومی‌وار از دو بخش roman و esque ساخته شده‌است.

Roman یا همان رومی به معنی چیز متعلق به روم است؛ اما esque به چه معنی است؟ این پسوند به معنی «به سبک...» است. در سال ۱۸۰۰ میلادی اروپا هنوز تأثیر زیادی بر فرهنگ آمریکا داشت. آمریکایی‌ها همه‌چیز را از اروپا کپی می‌کردند، این سبک در اروپا رایج‌شده و در ۱۸۴۰ میلادی راه خود را به آمریکا باز کرد و تعدادی از ساختمان‌های سبک رومی در این کشور ساخته شدند. ساختمان‌های سبک رومی به خصوصیات طراحی رومی به‌خصوص استفاده از قوس‌ها و ستون‌ها ساخته می‌شوند. این ساختمان‌ها دارای عناصر کلیدی زیر هستند:

– **قوس‌های گرد و عریض**

– **ستون‌های کوتاه و عریض**

– **دیوارهای ستون‌نما که به‌صورت ستون‌های**

تزیینی عمل می‌کنند

– **برج‌های نقطه‌ای**

اما معماری سبک کلاسیک یا رومی از چه زمانی و به کدامین دلایل وارد ایران شد؟ البته که پاسخ مسئله به این سادگی‌ها نیست؛ چراکه عوامل فرهنگی و اجتماعی گوناگونی در شکل‌گیری و ترویج یک سبک یا جریان فکری، تأثیرگذارند. به نظر می‌رسد با رونق ساخت‌وساز و سودزا بودن این حوزه، افرادی که سرمایه‌ای در دست داشتند عرصه ساخت‌وساز را زمینه‌ای مناسب برای کسب درآمد شناسایی کرده، صرفا به اتکای سرمایه مالی و اغلب بدون تخصص لازم و کافی وارد عرصه ساخت‌وساز شدند. شاید بتوان گفت که تمایل این عده به ابراز وجود در حوزه ساخت‌وساز و نمایش قدرت و ثروت،

بازنمایی عناصر معماری رومی در نمای ابنیه و حتی در مواردی طراحی داخلی ساختمان‌ها را موجب شد. چنان‌که گفته شد، مقوله رواج یک سبک و مد، متأثر از متغیرهای گوناگونی می‌تواند باشد که در موضوع مورد بحث آرواج نمای ابنیه به سبک کلاسیک[شاید یکی از آن‌ها نمایش قدرت و ثروت بوده باشد. البته این ویژگی، نمای رومی را مختص به طبقات مرفه و ثروتمند جامعه نمی‌کند، بلکه به‌تبع قشر مرفه، نموده‌ای ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر نمای رومی در ساختمان‌های منطقه متوسط شهر با کیفیت پایین‌تر و جزئیات کمتر نیز دیده می‌شود. به تعبیری نمای رومی «مد» شده و هرکسی به‌قدر توان و قدرت مالی خویش پیرو این سبک و مد است.

این خود سؤالات بعدی را در پی دارد: چرا یک ایرانی برای نمایش قدرت و ثروت خویش به شکوه و ابهتی که محصول فرهنگ غربی است پناه می‌برد؟ آیا فرهنگ و معماری ایرانی از غنای کافی برای تطمیع این حس در مخاطبان خود برخوردار نیست...؟ این چراها و آیاها و پاسخ به آن‌ها می‌تواند راه‌گشای حل مسئله پیش رو و معضلی به نسام ترویج فرهنگ و معماری غیرخودی باشد.

❖ **فرجام**

مردمان ایران‌زمین در روزگار باستان، آفرینندگان فرهنگ و معماری فاخر و گران‌مایه‌ای بودند که امروز بخشی از داده‌های آن را در دست داریم و از بخش‌های ناپدیدشده آن نیز نشانه‌ها و اشاره‌ها به‌جای مانده‌است. بررسی و شناخت اندازه و چگونگی اثرگذاری فرهنگ کهن ایرانی بر معماری ایرانی هزاره اخیر، مقوله‌ای است بس وسیع و دامنه‌دار که در تتکشی این گفتار کوتاه نمی‌گنجد. ژرف‌نگری در معماری گذشته ایرانی و کاوش و پژوهش ساختار شناختی در هزارتوهای آن، به پژوهنده نشان خواهد داد که رشته‌رشته تاریپسود این ژرف‌ت اندیشه و خیزد و آدمی خویش، با لایه‌لایه فرهنگ غنی باستانی پیوند دارد و هر خشت و هر سنگ‌پای آن، سوبه‌ای از هستی‌شناسی و جهان‌نگری دیرینگان زیسته در این خاک و بوم را بازمی‌تاباند.

گرچه بهره گرفتن از تجارب و دستاوردهای معماری در هرکجای جهان که باشد، می‌تواند دریچه‌ای نو به‌سوی مسیری جدید پیرومان قرار دهد، اما آنچه در این وادی اهم می‌نماید فراموش نکردن اصل و هویت خویشتن است. شاید از موج فراگیر جهانی‌شدن گریزی نباشد، اما می‌توان به سمت کرانه فرهنگ خودی حرکت کرد و در ساحل اصالت و هویت آرام گرفت. باشد که معماری و فرهنگی متعالی برخاسته از ارزش‌ها برای آیندگامان به ایت گذاریم.

۱. راپاپورت، اموس (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی

مسکن، چاپ اول، نشر حرفه هنرمند، تهران.

۲. نمای رومی چیست taragah.com

❖ **لا اله الا**

جامعه‌شناسی مطرح است؛ نخست اینکه آیا حضور بیشتر نیروی انتظامی در معابر شهری نشان از امنیت است یا عدم امنیت؟ بنابراین در پاسخ به این سؤال باید به مباحث اجتماعی پرداخت زیرا پنده بنا به تجربه‌ای که از حضور در کشورهای مختلف دارم به این مسئله پی بردم که لزوم حضور پلیس بیان‌گر امنیت نیست بلکه ممکن است تداعی‌کننده عدم امنیت در ذهن افراد باشد.

در دنیای امروز شاهد آن هستیم که حضور فیزیکی مأموران روزه‌روز در سطح شهرها کم‌رنگ‌تر و درعین‌حال از فناوری‌های نوین همچون دوربین‌ها و نیز تجهیزات کنترل از راه دور استفاده می‌شود؛ البته هنوز جامعه ما آمادگی حذف صددرصدی حضور فیزیکی نیروی انتظامی را ندارد اما باید به‌تدریج مدل حضور مأموران انتظامی را در بافت‌های شهری تغییر دهیم.

هرچند باید به این نکته نیز توجه کرد که احساس امنیت در اقشار مختلف بروز و ظهور متفاوتی دارد؛ برای مثال اگر یک خانم بخواهد شب‌هنگام به‌تنهایی در معبری حرکت کند ممکن است از احساس امنیت لازم برخوردار نباشد اما همین خانم اگر هم‌راه محارم خود باشد با آرامش خیال می‌تواند طی مسیر کند، پس یکی از عواملی که می‌تواند احساس امنیت را تقویت کند حرکت و تردد به‌صورت گروهی است.

از طرفی این یک واقعیت است که ما با هر جنس و سنی در هر زمان نمی‌توانیم در هر نقطه از شهر حضور پیدا کرده و درعین‌حال احساس امنیت را طلب کنیم، به‌عنوان مثال لزومی ندارد که یک خانم شب‌هنگام تنها در پارک باشد زیرا حضور وی می‌تواند خود به‌عنوان عامل تحریک‌کننده باشد.

البته این رویکرد مختص ایران نیست بلکه در کشورهای دیگر نیز وضعیت به همین منوال است؛

یعنی در حوزه امنیت شهری، جنس، سن و قشر افراد موردتوجه است و نمی‌توان انتظار داشت که برای همه اقشار بدون در نظر گرفتن شاخص‌های عنوان‌شده امکان حضور در نقاط مختلف شهر به‌صورت ۲۴ ساعته مهیا باشد چنانکه در برخی از کشورهای اروپایی محلاتی وجود دارد که حتی امکان تردد پیاده افراد حتی به‌صورت گروهی شب‌هنگام امکان‌پذیر نیست درحالی‌که به نظر بنده ایران حتی

در شب نیز جزء کشورهای امن دنیا است.

❖ **یکی از بافته‌های می‌تواند در تقویت احساس امنیت مؤثر واقع شود چگونه و تعداد و به‌موقع حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه در شب‌هنگام است نظر شما دراین‌باره چیست؟** حمل‌ونقل عمومی تابعی از تقاضا است؛ یعنی اگر در محله‌ای تا ساعت ۲۴ شب تقاضای سفر وجود داشته باشد طبیعتا مدیریت شهری نیز برای تأمین این نیاز تلاش خواهد کرد اما در محلات مختلف شهر همدان شاهد آن هستیم که بعد از غروب آفتاب، شهر نیز خاموش می‌شود، پس هزینه اضافی به مدیریت شهری وارد می‌شود اگر بخواهد حمل‌ونقل عمومی را فعال کند دارد.

البته در کلان‌شهرها و نیز شهرهای ۲۴ ساعته همچون تهران، حمل‌ونقل عمومی و مترو نیز دارای ساعت خاصی است و می‌توان از سیستم حمل‌ونقل عمومی همچون اتوبوس‌ها و تاکسی‌های اینترنتی برای تردد در شب استفاده کرد.